

تورم حاصل از دلارهای نفتی یک نمونه: آذربایجان

منبع: ایژیا تایمز // ۲۰۰۸

مترجم: سهیلا زمانی

جمهوری آذربایجان در مقایسه با جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی اطراف خود در اثر بهره‌برداری از منابع نفتی و سرمایه‌گذاری پس از استقلال، توسعه‌ی بیشتری پیدا کرده است. با وجود این، پس از استقلال این کشور، تورم فزاینده‌ی ناشی از آثار جنگ قره‌باغ همراه با سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی اقتصاد موجب شد که مردم جمهوری آذربایجان تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار گیرند و قدرت خرید آنها به سرعت کاهش یابد؛ ولی از سال ۱۹۹۶ میلادی، افزایش درآمدهای حاصل از قراردادهای نفتی بین‌المللی، روند رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی، اعتبارات صندوق پول (IMF) و بانک جهانی (World Bank) و مساعدت کشورهای اروپایی موجب شد تا اقتصاد نابسامان این کشور کمی رو به بهبود گذارد.



بخش نفت است.

اولین سکو در نوامبر سال ۱۹۹۲ تشکیل و ساخت دو سکوی دیگر نیز برای سال ۱۹۹۴ برنامه‌ریزی و اجرا شد و با انعقاد موافقت‌نامه‌ها، طی هشت سال گذشته صادرات نفت جمهوری آذربایجان تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. صادرات نفت احتمالی جمهوری آذربایجان تا اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی ۷۰۰ هزار بشکه در روز اعلام شده که با قیمت‌های مختلف به فروش رفته است.

طبق اظهارات الهام علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان، این کشور در سال جاری میلادی ۵۳ میلیون تن نفت و ۱۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از منابع آبی و خشکی خود استخراج خواهد کرد. در حال حاضر، تولید نفت روزانه جمهوری آذربایجان ۹۵۰ هزار بشکه در روز است که بیش از ۹۰ درصد آن توسط کنسرسیوم‌های شرکت‌های خارجی از سه میدان نفتی گونشلی، آذری و چراغ واقع در دریای خزر استخراج می‌شود.

از مجموع نفت صادراتی جمهوری آذربایجان، هشت میلیون و ۳۱۱ هزار تن آن از طریق خط لوله باکو تفلیس جبهان به بازارهای اروپا صادر شده که ۴۳/۵۴ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته میلادی است. طبق این گزارش، بقیه نفت صادراتی جمهوری آذربایجان از طریق خط لوله باکو-نوروسیسک (مسیر روسیه) و نیز خط آهن گرجستان به بازارهای جهانی حمل شده است. طبق آمارها، مجموع نفت صادراتی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۷ میلادی، ۳۰ میلیون و ۵۷۹ هزار تن بوده که در مقایسه با سال ۲۰۰۶ میلادی ۳۵/۹ درصد افزایش داشته است.

در آغاز سال ۲۰۰۸، تاثیر جهش عظیم مالی

بشکه آن در قدیمی‌ترین میادین نفتی درون ساحلی و ۱/۲ میلیارد بشکه آن نیز در نواحی کم عمق دریای خزر که از سال ۱۹۴۹ به تدریج توسعه یافته، قرار دارد که اگر به این میزان ذخایر میادین تازه کشف شده در جمهوری آذربایجان نیز افزوده شود، مجموع ذخایر نفتی این کشور به ۷ میلیارد بشکه می‌رسد.

مجموع نفت خام تولیدی این کشور در سال ۱۹۹۱ حدود ۳۳۵ هزار بشکه در ۲۰ درصد کمتر از تولید سال ۱۹۸۰ بود که دلیل این افت ۵۵ درصدی در تولید نفت درون ساحلی، کمبود سرمایه برای حفاری، سوء مدیریت، عدم مراقبت از چاه‌های نفت و فقدان راهبردی صحیح برای توسعه میادین نفتی بود. نخستین سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت جمهوری آذربایجان، سرمایه‌گذاری مشترک برای توسعه میادین نفتی آذری است که در اواسط سال ۱۹۹۱ بر اساس قانون سرمایه‌گذاری مشترک شوروی سابق انجام گرفت. این میدان نفتی بزرگترین میدان کشف شده جمهوری آذربایجان در عمق ۱۵۰ تا ۳۰۰ متری از سطح آب دریای خزر است و ذخایر آن را از ۷/۱ تا ۴ میلیارد بشکه تخمین زده‌اند.

شرکت‌های نفتی "آموکو"، "بریتیش پترولیوم" و "استات اویل" در مزایده مربوطه شرکت کردند و آموکو برنده این مزایده شد ولی چندی بعد دو شرکت دیگر نیز اجازه یافتند تا به کنسرسیوم ملحق شوند. آذر نفت همچنین قراردادی با یک شرکت خصوصی ترکیه برای اکتشاف و توسعه در یک منطقه وسیع منعقد کرد و به دنبال عقد این قرارداد مهم، کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی و عمان برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت جمهوری آذربایجان ابراز تمایل کردند. ساخت سکوهایی نفتی برای میدان نفتی "کاورچکین" از دیگر اقدامات جمهوری آذربایجان در

جمهوری آذربایجان با برخورداری بیش از یک هزار حلقه چاه نفت از قدیمی‌ترین مناطق تولید نفت و گاز است که هم اینک در کانون توجه جهانیان قرار گرفته است.

باکو پایتخت این کشور از چهار سو در محاصره چاه‌های نفت واقع شده ولی به علت فقدان سرمایه و نبود دانش فنی پیشرفته، تولید فرآورده نفت و گاز به کنسرسیوم‌های نفتی خارجی واگذار شده و خود از این منابع مهم و راهبردی بهره کمی می‌برد.

عملیات اکتشاف و تولید نفت و گاز جمهوری آذربایجان در اختیار کنسرسیوم‌های نفتی کشورهای خارجی قرار دارد و تنها دو کمپانی آذری یعنی "آذنت" و "کاسمورفت" به ترتیب در زمینه نفت درون ساحلی و برون ساحلی فعالیت دارند.

جمهوری آذربایجان دارای دو پالایشگاه نفت یکی به ظرفیت ۲۳۰ هزار بشکه در روز و دیگری ۱۵ هزار بشکه در روز است.

در ابتدای قرن بیستم، جمهوری آذربایجان قسمت اعظم نیاز جهانی نفت را تامین می‌کرد و در خلال جنگ جهانی دوم این کشور با تولید روزانه ۴۵۰ هزار بشکه نفت در خدمت ماشین نظامی شوروی سابق بود و پس از پایان جنگ، با کشف نفت در دیگر مناطق شوروی مانند سیبری و اورال، نفت جمهوری آذربایجان از رونق افتاد و تولید نفت این ناحیه به یک دوم قبل از جنگ کاهش یافت.

این روند به همین ترتیب ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۹۰ سهم جمهوری آذربایجان از مجموع نفت تولیدی شوروی تنها به دو درصد رسید.

منابع خارجی آمار ذخایر اثبات شده باقی مانده از مناطق بهره‌برداری شده جمهوری آذربایجان را حدود ۳/۲ میلیارد بشکه حکایت می‌کند که ۱/۲ میلیارد

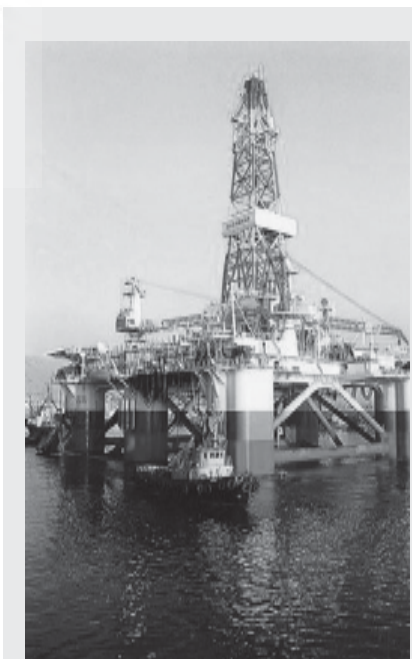


دولت، آثار خود را بر تورم گذاشت. میانگین نرخ تورم سالانه در سال ۲۰۰۷ عدد ۸/۳ درصد بود که افزایش آن در ماه‌های آخر سال، چشمگیر بود.

یکی از خطرات برای آذربایجان، تورم بی‌امانی است که بر نرخ موثر واقعی ارز فشار وارد کرده و رقابت‌پذیری اقتصاد غیرنفتی را تضعیف می‌کند. در هر صورت، هجوم دلارهای نفتی در دو سال گذشته باعث تقویت «منات» واحد پول آذربایجان در برابر دلار شده است. در سال ۲۰۰۵ منات در برابر دلار ۸ درصد اضافه ارزش یافت که در سال ۲۰۰۶ نیز ۵ درصد به آن افزوده شد. به گفته المان رستموف، رییس کل بانک مرکزی، ارقام سال ۲۰۰۶ به این دلیل بالا رفته است که معاملات ارزی بانک مرکزی یک میلیارد دلار را وارد بازار کرده است.

اکنون و بر اساس شواهد و قرائن، آذربایجان یک تولیدکننده کلیدی و استراتژیک نفت در منطقه است که شمار زیادی از شرکت‌های خارجی بین‌المللی را به منظور توسعه ذخایر خود، به آن کشور جلب کرده است. در واقع، همزمان با رشد و شکوفایی اقتصادی آذربایجان، عامه مردم اکنون به دنبال پاسخی برای این سوال می‌گردند که درآمدهای نفتی کشور باید در کجا هزینه شود؟ کارشناسان اقتصادی بر این باورند که دولت باید استراتژی تضمین آینده اقتصادی کشور را برای نسل‌های آتی بدون در نظر گرفتن دلارهای نفتی، طراحی و به مرحله اجرا در بیاورد.

این در حالی است که دولت با اشاره به تأسیس یک شرکت دولتی که قرار است در بخش‌های غیرنفتی سرمایه‌گذاری کند، قصد دارد به مردم بیاوراند که چشم‌انداز وسیع‌تری را در نظر گرفته و برای بلندمدت



باکو در جهان شهر نفتی نام گرفته است. شکوفایی این شهر با افزایش درآمدهای نفتی به یک قرن پیش بازمی‌گردد. اکنون دلارهای نفتی راه خود را پیدا کرده‌اند. با شکوفایی اقتصاد نفتی در نیمه نخست سال ۲۰۰۶، آذربایجان شاهد افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۳۰ درصد بود. با این اعتبار نفتی، سیاست خارجی این کشور نیز اعتماد به نفس از دست رفته‌ی خود را به یمن اقتصاد نفتی خویش باز یافت.

با اینکه آذربایجان در مرحله اولیه رونق نفتی است، اما نشانه‌هایی از بیماری هلندی در این کشور دیده می‌شود به این معنا که به خاطر افزایش ارزش پول ملی و سایر عوامل، رقابت‌پذیری اقتصاد غیرنفتی تضعیف می‌شود. در این مرحله امکان دارد که آذربایجان طی کمتر از ۱۵ سال از یک کشور صادرکننده محصولات کشاورزی به واردکننده تبدیل شود

همان‌طور که در مورد نيجریه این اتفاق افتاد. در مورد آذربایجان البته، چندین عامل به تسریع مشکلات مرتبط به بیماری هلندی کمک می‌کند. نخست آن که رونق نفتی با توجه به پیش‌بینی‌های تولید، عمر کوتاهی دارد:

- تولید نفت در سال ۲۰۱۲ شروع به کاهش خواهد گذاشت. زیرا در حالی در آمد نفت وارد بودجه دولت می‌شود که بخش عمده‌ای از این پول صرف مشکلاتی از قبیل افزایش دستمزد کارگران و پرداخت سوبسید به کشاورزان برای خرید سوخت می‌شود.

- دوم، زیرساختار فیزیکی کشور عقب مانده و فرسوده است و این باعث می‌شود که بخش غیرنفتی از مزیت خاصی برخوردار نباشد. به عنوان مثال بخش بانکداری، تنها در شهرهای بزرگ وجود دارد که زندگی را برای کشاورزان روستایی که در تلاش برای بهبود و نوسازی تولید هستند مشکل‌تر می‌سازد. خدمات برق و آب در خارج از شهرهای بزرگ نیز قابل اعتماد نیستند و شبکه راه‌ها نیز توسعه نیافته و نیاز به تعمیر دارد. بخشی از بودجه انبساطی دولت برای این مسایل استفاده می‌شود خصوصاً برای سرمایه‌گذاری در زیربناهای فیزیکی، ولی بخش مالی عقب‌مانده رها شده است.

- سوم آن که محیط کسب و کار کشور پر مخاطره‌تر شده است و در نتیجه بخش خصوصی امکان فعالیت محدودی دارد. این در حالی است که کارشناسان بر این باورند که نقشه دولت در خصوص استفاده از درآمدهای نفتی ممکن است برای مشارکت دولت در آینده مالی کشور، کافی نباشد. این امر بدان معنا است که این کشور نفت خیز حوزه خزر خزر باید کم و بیش خود را از قید اقتصاد وابسته به نفت و دلارهای شیرین نفتی رها سازد تا بتواند کشور را از یک سقوط حتمی نجات دهد.

مهمترین پروژه نفتی آذربایجان در میدان نفتی آذری - چراغ - گونشلی است که تا سال ۲۰۳۰-۲۰۲۵ این پروژه به اتمام می‌رسد. انتظار می‌رود کل درآمد حاصل از این پروژه به تنهایی برابر ۱۶۰ میلیارد دلار باشد؛ سرمایه‌ای هنگفت برای کشوری کوچک تنها با ۸ میلیون جمعیت. طبق آخرین آمار ارایه شده در خصوص میزان ذخایر کشورهای حوزه خزر، آذربایجان دارای ۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام اثبات شده و حدود ۳۲ میلیارد بشکه نفت خام احتمالی و ۳۰ میلیارد فوت مکعب ذخایر اثبات شده‌ی گاز و ۳۵ میلیارد فوت مکعب ذخایر گاز احتمالی است.

فعالیت در سه حوزه آذری، چراغ و گونشلی توسط ۵ شرکت نفتی بین‌المللی انجام می‌شود که میزان تولید از این سه حوزه را به ۳ میلیارد بشکه نفت خام رسانده‌اند. آذربایجان با تولید روزانه ۴۴۰ هزار بشکه نفت در سال ۲۰۰۶، در رده دوم تولیدکنندگان نفت منطقه خزر قرار داشت. میزان تولید گاز این کشور نیز در همین سال برابر ۱۸۰ میلیون فوت مکعب بوده است.